

حجت الاسلام ذوالفقاری مطرح کرد:  
**امور حسبیه؛ میدانی ترین مفهوم فقهی**

سائل - رئیس پیشین دانشگاه المصطفی در کنگو گفت: حسبه یکی از میدانی ترین مفاهیم فقه ما محسوب می شود چون کاملاً با میدان و موضوعات سروکار دارد تا اینکه، ما بفهمیم آیا این موضوعی که در مورد آن بحث می کنیم از موارد حسبه محسوب می شود یا خیر؟

به گزارش خبرنگار وسائل، امور حسبیه یا حسبه از جمله مسائلی است که با بحث ولایت



فقیه و فقه حکومتی گره خورده است، با توجه به اهمیت کارکرد امور حسبیه و دیدگاه‌های مختلفی که در این زمینه وجود دارد با **حجت الاسلام سید محمد ذوالفقاری**، رئیس پیشین دانشگاه المصطفی در کنگو به گفتگو نشستیم؛ مشروح این مصاحبه را در ادامه می‌خوانید:

**وسائل - تعریف شما از امور حسبه چیست؟**

آنگونه که محققین در مورد حسبه گفته اند اموری است که شارع مقدس برای آن امور مجری و متکفل مشخص و خاصی را معرفی نکرده است و در واقع عدول مومنین و روی زمین ماندن و اهمال در مورد آن را شارع نمی پذیرد که این امور روی زمین بمانند و از طرف دیگر شخص خاصی را هم برای تکفل آن مشخص نکرده است و در واقع عدول مومنین و افراد گروه خاصی از مومنین که افراد عادل می‌گوییم، موظف هستند که آن امور را بر عهده بگیرند و انجام دهند.

البته در مورد امور حسبیه یا امور حسبه ما یک تحول مفهومی و تحول مصادیق و یک تاریخ گسترده‌ای را در فقه سیاسی شیعه می بینیم که در جای خود بحث خواهد شد.

بنده در پایان نامه ارشد با موضوع «تحول مفهوم امور حسبیه در فقه سیاسی شیعه» سابقه امور حسبیه از دوران قبل از اسلام، بعد از بعثت در دوران رسول گرامی اسلام(ص)، در دوره حکومت خلفا، در دوران حکومت امیرالمومنین(ع) و در دوران حضور

ائمه معصومین به صورت تاریخی در ادوار مختلف فقه، را بررسی کردم تا به دوران معاصر و دوران انقلاب اسلامی رسیدم.

در نهایت به این نتیجه رسیدم که در هر دوره ای بنا بر تحولاتی که اتفاق افتاده آراء فقها در مورد حسبه در هر عصری به چه صورتی بوده که طبعا چون بنده فقه سیاسی کار کرده ام ادوار را بر اساس حکومت ها و دوره های حکومت های مختلف بررسی کرده ام.

به عنوان مثال فقها در دوره صفویه چگونه به حسبه نگاه کرده اند یا در دوران قاجار و دوران پهلوی ها چه کارهایی در این مورد صورت گرفته و همچنین در دوران پس از انقلاب اسلامی چگونه با این موضوع رفتار شده است.

لذا در امر حسبه یک بحث نظری گسترده و مهم داریم که نباید نسبت به آن غافل باشیم و باید بدان توجه داشت. به طور کلی می توان گفت حسبه یکی از میدانی ترین مفاهیم فقه ما محسوب می شود چون کاملا با میدان و موضوعات سروکار دارد تا اینکه، ما بفهمیم آیا این موضوعی که در مورد آن بحث می کنیم از موارد حسبه محسوب می شود یا خیر؟

بنابراین زمانی که حسبه را فقها تعریف می کردند می گفتند حسبه به قیم، مجانین و ایتماء مربوط می شود اما یک زمانی این دایره گسترده می شود و کاملا روشن است که این گستردگی مفاهیم و مصادیق حسبه مرتبط با دیگر مفاهیم منظومه فقهی است؛ یعنی اگر ما فقه را به صورت یک منظومه تصور کنیم اجرا تشکیل دهنده این منظومه گسترده بر روی همدیگر اثر می گذارد.

بزرگ شدن یک مفهوم می تواند مفاهیم دیگری را نیز تحت تأثیر قرار دهد همچنین ریز شدن یک مفهوم هم می تواند مفاهیم دیگر را در توسعه یا ضیق آن مفهوم اثر گذار کند.

## **وسائل - آیا فقه فردی و فقه حکومتی در گسترش معنای حسبه تاثیر گذار بوده است؟**

قطعا همین گونه بوده است به هر حال منظور ما این است که در حوزه تبلیغ بین الملل با مواردی برخورد می کنیم که اینها جزء مصادیق حسبه محسوب می شود و باید آنها را تصدی کرد؛ از روی حدس و گمان این مطلب را نمی گویم بلکه بر اساس یک مطالعه پیشینی و یک تحقیقی که از قبل انجام داده ام این را می گویم و مدعی هستم که در آن حوزه به یک شناخت رسیده ام.

یعنی تمام آن کارهایی که در آن حوزه انجام داده ام متکی بر پژوهشی بوده که در امور حسبه و در حوزه فضای سیاسی انجام داده ام. در سال ۲۰۱۴ برای امر تبلیغ به خارج از کشور رفتم و شش سال را در محیطی زندگی کردم که در آنجا حکومت اسلامی حاکم نبود و حکومت مسیحی حکم فرما بود هر چند که مسلمانان در آنجا برای انجام فرایض خودشان محدودیتی نداشتند.

بر اساس آرای فقهای سیاسی در اینکه ما آنجا را دارالفکر یا دارالحرب بدانیم قطعاً آنجا دارالاسلام و دارالمومنین نیست به هر حال مشرکین آنجا را در اختیار دارند و این مباحث کاملاً مرتبط با موضوع ما است. زمانی که در آن محیط قرار گرفتم با مسائلی برخورد کردم که ما در برخورد با این مسائل افرادی را مشاهده نمی‌کنیم که برای مسلمانان تکفل کنند.

مثلاً ما در آنجا ایتمی را داشتیم که پدر و مادر مسلمان بودند و از هم جدا شده بودند یا از دنیا رفته بودند و بچه‌ها کلاً رها شده بودند یا در آنجا مساجدی بود که در اثر بی‌توجهی رها شد بودند و خطر تبدیل مسجد به کلیسا بسیار بود یا خانم‌هایی بودند که با افرادی ازدواج کرده بودند که آن شخص در اثر فضایی که در آن کشور حاکم بود اسلام را رها کرده و به ادیان دیگر متمایل شده بودند همچنین خانم‌هایی بودند که طلاق گرفته بودند و توانایی اداره زندگی خود را نداشتند؛ بسیاری از مصادیق این چنینی وجود داشت.

از طرفی چون حاکم مسلمان وجود نداشت و به تبع آن دادگاه اسلامی وجود نداشت به هر حال یک نفر باید تصدی می‌کرد و یک نفر باید تکفل می‌کرد و اجازه نمی‌داد این امور روی زمین بماند و در این گونه موارد وظیفه مومنان عادل است که این احکام را باید انجام دهند و از میان مومنین عادل نیز آنهایی که بر اساس آرای فقهای آشنا با مسائل فقهی و احکام اسلامی هستند این وظیفه را برعهده دارند.

در محیطی که من قرار گرفته بودم آشنا با این احکام، مصداق آن خود من بودم و به عنوان دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و به عنوان کسی که در آنجا جایگاه امامت را برعهده داشت و جایگاه معلمی و مدرسی و تربیت نیروهای اسلامی را داشت قاعدتاً خیلی از امور را خودم باید بر عهده می‌گرفتم و انجام می‌دادم.

برای انجام این امور به تنهایی و بدون امکانات، توانایی و قدرت انجام این امور مقدور نبود لذا آنجا تلاش کردم این مسائل را برای جامعه مسلمانان سازماندهی کنم مثلاً در امور مسلمانانی که مشکلات قضایی و حقوقی پیدا می‌کردند تلاش کردم نظام قضاوت اسلامی را راه‌اندازی کنم و یکی از کارهایی که انجام دادیم همین بود که ما وکلایی را از بین مسلمانان انتخاب کردیم و بر اساس فقه اسلامی آموزش دادیم.

سپس به سراغ حکومت رفتیم و توجیه کردیم که مسلمانان باید وکلای مسلمان داشته باشند وکلای مسلمان حتماً باید در دادگاه بتوانند بر اساس قوانین اسلام از موکلین خود دفاع کنند که با لطف و عنایت پروردگار این موضوع را اجرایی کردیم.

در مورد ایتم نیز چندین باب یتیم‌خانه درست کردیم و ایتم را در آنجا ساکن کردیم و تلاش شد که این کودکان در خیابان رها نباشند و تحت آموزش قرار گرفتند و توفیقات خوبی نیز در این زمینه حاصل شد.

در مورد خانم‌های بی‌سرپرست تلاش کردیم برای آنها شغل ایجاد کنیم تا بتوانند زندگی خودشان را به نحوی بگذرانند اینها نمونه و گزیده‌هایی است که امور حسبه می‌توانم بگویم در منطقه و در عمل و در اجرا با آنها مواجه شدم.

ما نمی توانیم نسبت به مرزهای آبی و خاکی حساس باشیم ولی نسبت به مرزهای فرهنگی بی تفاوت گذر کنیم لذا در مورد جوانان مسلمان اگر در آنجا مورد تهدید قرار بگیرند مانند این است که کشور مورد تهدید قرار گرفته است لذا جوانانی که دچار آسیب فرهنگی بودند و تحت تاثیر مسیحیت قرار می گرفتند به صورت کاملا عقلانی و فقهی جامعه نسبت به آنان وظیفه داشت و همین طور عموم مسلمانان و در نهایت من نسبت به آنان وظیفه بر عهده داشتیم.

بنابراین تلاش کردیم کارهای فرهنگی نسبت به جوانان مسلمان که از ارتداد و افتادن در دام شک و تردید و شبهات که منجر به تغییر مذهب و تغییر دین می شد اقداماتی داشته باشیم.

### **وسائل - با توجه به ارتباطی که شما با حوزه علمیه قم گرفتید و از ظرفیت این بحث فقهی در تبلیغ بین الملل استفاده کردید به نظر شما بحث فقهی حسبه چقدر ظرفیت دارد؟**

این قاعده فقهی کاملا کاربردی است بدین معنا که بسیار می تواند برای ما راهگشا باشد در خیلی از موارد که ما به بن بست می خوردیم و نمی توانستیم آن را حل کنیم امور حسبه و قاعده حسبه به ما کمک می کرد و البته خیلی جای کار دارد. چه آن دسته از فقهای که مفهوم حسبه را تنگ و کوچک می بینند و چه فقهای مانند حضرت امام (ره) و حتی فقهای ما که حسبه را گسترده می بینند همه آنها اذعان دارند که حسبه یکی از ابواب مهم فقه است.

اما در فقه سیاسی به این خاطر که سالهای بسیاری از حکومت داری دور بودیم و این احکام انجام نشده و فقهای ما سالیان زیادی در حکومت جایگاهی نداشتند و فاصله داشتند در مقایسه با اهل سنت امور حسبه و قاعده حسبه می توان گفت فقه شیعه در این زمینه بسیار مغفول مانده ولی فقه اهل سنت بسیار گسترده است.

مانند احکام سلطانی و مواردی از این قبیل که فقه اهل سنت دارد و آرای فقهای سنی بسیار گسترده و زیاد است و در مقابل فقه شیعه این گستردگی را ندارد و از جهت کاربردی و مصداقی امروزه که حکومت اسلامی حاکم است ما بیشتر می توانیم اهمیت و کاربردی بودن این قاعده را درک کنیم.

می توانم بگویم موضوع شناسی یکی از مواردی است که باید صورت بگیرد ما در قم مرکزی به نام موضوع شناسی فقه داریم که به بررسی موضوعات می پردازد و یکی از کارهایی که باید در این مرکز صورت بگیرد این است که آنها در مورد مصادیق و موضوعاتی که مرتبط با حسبه است تحقیق کنند و ببینند چه موضوعاتی از قدیم وجود داشته و چه موضوعاتی اکنون اضافه شده است.

همچنین موضوعاتی که اکنون در فضای مجازی با آن مواجه هستیم می توان مصادیقی با این قاعده پیدا کرد یا مسائلی در حوزه ارتباطات بین الملل قطعاً ما با مصادیقی مواجه

خواهیم شد که از این طریق قابل حل خواهد بود لذا به اعتقاد بنده این مفهوم، مفهومی کاربردی است که خیلی از گره های مدیریتی را می توان از این طریق باز کرد.

## **وسائل - به نظر حضرت عالی چقدر این موضوع شناسی در بحث اجتهاد و فقه لازم است؟**

بنده اعتقاد بر این است که یکسری از مباحث مانند مفهوم حسبیه به این دلیل که زمانی که بحث می شود منحصر در موضوعاتی مانند امر به معروف و نهی از منکر کاربرد دارد، خیلی از افراد با یک پیش داوری به سراغ آن می روند و از قبل تصور می کنند که حسبیه متعلق به مسئله امر به معروف و نهی از منکر است و با همین پیش فرض راه ورود حسبیه به موارد و موضوعات دیگر را با دست خودمان می بندیم. در حالی که اگر یک محقق و پژوهشگر فقه بدون هیچ گونه پیش داوری و صدور فتوایی از قبل به سراغ این حوزه برود می بیند این حوزه خیلی گسترده تر از این حرفایی است که تا به امروز گفته شده است.

همانطور که اهل سنت در خیلی از موارد برای حل مشکلات حکومتی به سراغ حسبیه رفتند و برای عبور از چالش ها از امور حسبیه استفاده کرده اند، ما نیز می توانیم در فقه شیعه و در فقه سیاسی از این ظرفیت بزرگی که اهل بیت در اختیار ما قرار داده اند استفاده کنیم.

از طرفی در خیلی از موارد امور حسبیه از مسائل، مرتبط با امور اجتماعی است یعنی فقه اجتماعی هم در آنجا حضور پیدا می کند و دست محقق و فقه پژوه را خیلی باز می گذارد و به او اجازه اجتهاد پویا و نظریه پردازی در حوزه های مختلف را می دهد و از ابزار بسیار مهم و تاثیر گذار است که ما از خیلی از موانع و خیلی از چالش های اجتماعی که برای ما بوجود می آید عبور کنیم.

## **وسائل - آیا مجتهد در موضوعات اجتماعی و حکومتی می تواند با نگاه فقه فردی مسائل را بررسی کند و نتیجه مطلوب را به دست آورد؟**

در پاسخ به پرسش شما باید گفت، زمانی که با بسیاری از مدرسین صحبت می کنیم و می گوئیم فقه فردی و اجتماعی و فقه های مضاف خیلی از آنهایی که در حوزه تدریس می کنند به سختی با این مفاهیم ارتباط برقرار می کنند یعنی نسبت به فقه مضاف با مقاومت برخورد می کنند؛ وقتی شما می گوئید فقه اجتماعی است بسیار برای شان سخت خواهد بود که از فقه اجتماعی سخن بگویند. خیلی از اوقات معنا را تبیین می کنند ولی از گفتن فقه اجتماعی ابا می کنند که تاکید روی این مفاهیم داشته باشند و مفهوم سازی کنند.

به اعتقاد بنده ما نیاز به شبکه مفاهیم فقهی داریم و باید به آنها اعتبار بخشیم و در حوزه های فقه مضاف اعتبار جدی قائل شویم همچنین محققین ما در این زمینه بسیار جدی کار کنند و مجتهدینی داشته باشیم که تنها در یک حوزه کار کنند و قرار نباشد در تمام حوزه

ها صاحب نظر باشند. مثلا تنها در یک حوزه فقه اجتماعی، فقه مضاف یا فقه فردی نظر داشته باشند.

قطعا آن دسته از افرادی که فقه فردی را به شدت پررنگ می کنند با مسائل حسبه که ما امروزه بدان نیازمندیم نمی توانند خیلی ارتباط جدی برقرار کنند و بحث های جدیدی داشته باشند؛ معنای حرف های جدید هم بعضا نوآوری، بدعت و حرف های خلاف قواعد فقهی نیست بلکه فهم موضوعات جدید و ایجاد ارتباط بین فقه و آن موضوعات است. /403/241/ح